

داستان غم انگیز زنان در کلام الله

پیش از آغاز سخن یادآوری میکنم که الله خدا نیست. در درونمایه عربی قرآن هم نامی از خدا برده نشده و همه جا الله آمده است ولی مترجم از دید خود نام خدا را جایگزین الله کرده است که درست نیست.

سوره دوم (بقره) آیه ۲۲۳:

زنان کشتزارشما بپس برای کشت بدانها نزدیک شوید هرگاه مباشرت آنان خواهید و برای ثواب ابدی چیزی بفرستید و بدانید که محققا نزد الله خواهید رفت. ای رسول تو اهل ایمان را بشارت ده...

در این آیه الله پروانه داده است همانگونه ای که کشاورزان میتوانند زمینهای کشاورزی خود را کشت کنند. مردان نیز آزادند که از هر سوی بخواهند به کشتزار زنان وارد شوند. زیرا زنان بگونه زمین ملک متصرفی مالک هستند و نباید از زیر بار خواسته مالک شانه خالی کنند.

همان سوره آیه ۲۲۸:

... و زنان را بر شوهران حقوق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان. لیکن مردان را بر زنان افزونی و برتری خواهد بود. الله بر هر چیز توانا و بر همه امور عالم داناست.

در این آیه الله بر و شنی مردان را بر زنان برتر دانسته و با پوزه بندی محکم دهانشان را بسته است که لب برسختن نگشایند.

همان سوره د نباله آیه ۲۸۲:

... و دو تن از مردان را گواه آرید و اگر دو مرد نیابید یک تن مرد و دو زن هرکرا طرفین راضی شوند گواه گیرند.

در این آیه هم الله مهرورزانه دو زن را برابر یکمرد بشما آورده آنهم درباره گواهی که دیدن با چشم های همه آنها است از دید الله پذیرفته نیست. در حالی که همین زنان در پستوی خانه و در زیر چادری سیاه به تنهایی به نماز می ایستند و میگویند الله و اکبر یعنی گواهی میدهم که الله بزرگتر است. الله گواهی آنان را چون بسود خویش است می پذیرد و در لوح محفوظ ثبت میکند و ثواب هم میدهد؟؟

سوره چهارم (النسا) آیه ۳:

اگر بترسید که مبادا درباره یتیمان مراعات عدل و داد کنید پس آنکه از زنان را بنکاح خود در آرید که شما را نیکو و مناسب با عدالت است. دو یا سه یا چهار و اگر بترسید که چون زنان متعدد گیرید راه عدالت نپیموده و به آنها ستم کنید. پس تنها یک زن اختیار کرده و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید. که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستمکاری است.

۱- الهی که این چنین موشکافانه درباره دادگری سخن رانده و مردان را بداشتن چند زن آزاد نموده است، زنان را محکوم بداشتن تنها یک همسر نموده بهیچروی کوچکترین توجهی به نیاز جنسی آنها نکرده است. در پی خواهیم خواند که چگونه رسول الله اش را آزاد به دست درازی بر همه زنان نموده است.

۲- کنیزی که الله در این آیه از او نام برده زنی است نازاد بدست آمده در جنگ یا خریداری شده در بازار آزاد که همبستری با او نیازی به ازدواج ندارد.

همان سوره آیه ۱۱:

حکم الله در حق فرزندان شما چنین است که پسران دو برابر دختران ارث برند. پس اگر دختران بیش از دو نفر باشند ۱۰ فرض همه دو ثلث ترکه است و اگر یک نفر باشد نصف است.

در این آیه هم الله آب پاکی را روی دست زنان ریخته و با تانید در نیمه قرار دادن با مردان دست و پای شان را نیز به زنجیر کشیده است تا با پوزه بندی که در دهان دارند لب به سخن نگشایند و پا را نیز از دستور الله فراتر نهند.

همان سوره آیه ۲۴:

و نکاح زنان محصنه (شوهردار) نیز برای شما حرام شد مگر آن زنان که متصرف و مالک شده اید. بر شماست که پیرو کتاب الله باشید.

اللهی که تا نزول این آیه همبستری با زنان همسردار را آزاد کرده بود و گناه نمیدانست. اگر چه با این دستور فرمان پیشین را برداشت و ناروا شمرد ولی به مردان این پروانه را داد تا دگر زنانی را که میتوانند بر بایند متصرف و مالک شده همبستر گردند که نیازی به خواسته و میل زنان نیست. زیرا الله زنان را به گونه کالا و بز و گاو و گوسفند و زمین درخور تصرف و مالکیت مردان دانسته است.

همان سوره آیه ۳۴:

مردان را بر زنان تسلط و حق نگهداری است بواسطه آن برتری که الله بعضی را بر بعضی مقرر داشته و هم بواسطه آنکه مردان از مال خود به زنان نفقه دهند. پس زنان شایسته و مطیع در غیبت مردان حافظ حقوق شوهران باشند و آنچه را که الله به حفظ آن امر فرموده نگهدارند و زنانی که از مخالفت و نافرمانی آنان بی‌مناکد باید نخست آنها را موعظه کنید اگر مطیع نشوند از خوابگاه آنان دوری گزینید باز مطیع نشدند آنها را به زدن تنبیه کنید چنانچه اطاعت کردند دیگر بر آنها حق هیچگونه ستم ندارید که همانا الله بزرگوار و عظیم الشان است.

در این آیه دستور روشن و دادگرانه الله برتری بی چون و چرای مردان بر زنان است. تنها به دو فرمود یکی برتری الله فرموده بعضی را بر بعضی دوم برای اینکه مردان به زنان خوراک و پوشاک میدهند. با اینکه زنان چه در خانه چه در مزرعه چه در کارگاه و کارمندی در اداره و دیگر کارهای ارزشمند دوشادوش با مردان کار میکنند و میکوشند. بچه داری هم میکنند. شوربختانه بهره ای ندارند. نه تنها مزد کارشان رایگان از آن مردان است همواره در برابر خوراک و پوشاک ناچیز هم بدهکار مردان هستند؟

الله فرموده زنان شایسته باید همیشه گوش به فرمان مردان و نگهداری حقوق آنها باشند ولی کوچکترین دستوری به مردان درباره نگاهداری حقوق زنان شایسته نداده و دست مردان را در هماغوشی با هر زنی باز گذاشته است. بیدادگرانه تر آنکه الله به مردان پروانه داده است تا اگر زنی در برابر همسرش بایستد و حقش را بخواهد گستاخی و نافرمانی کرده است باید با زدن تنبیه شود اگر پس از کتک خوردن فرمانبردار گردید دیگر بر او ستم نکنند ولی اگر پس از کتک خوردن هم باز خواستار حق خویش گردید دوباره و چند باره آنقدر کتکش بزنند تا رام گردد. الله با چنین دستورهای نابخردانه خود ش مگوید من دادگر و عظیم الشان هم هستم؟

همان سوره آیه ۱۲۹:

شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید هرچه راغب و حریص به عدل و درستی باشید پس با تمام میل خود یکی را بهره مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او معلق و بلا تکلیف ماند و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید. همانا الله بخشنده و مهربان است.

درست توجه کنید اللهی که میداند و باور دارد که مردان هرگز نمیتوانند با داشتن چند زن میان آنان به دادگری رفتار کنند. باز هم دست آنها را باز گذاشته است تا چهار همسر و هر چه بخواهند کنیز ملکی متصرفی در بند خود داشته باشند. درباره ستمی که در این رهگذر بر زنان میرود لب فرو بسته و دستور نداده است تا همانگونه که زنان باید تنها یک همسر داشته باشند مردان نیز نباید جز یک همسر از همسران بشمار و کنیزان ملکی متصرفی بهره مند گردند. شگفتا با اینهمه بیدادگری بیشرمانه میگوید (همانا الله بخشنده و مهربان است)؟

سوره پنجم (المائده) آیه ۵:

...و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مومنه و زنان پارسای اهل کتاب. در صورتیکه اجرت و مهر آنان را بدهید و آنها هم زنانکار نباشند و رفیق و دوست نگیرند...

در این آیه هم باز دست مردان را در هماغوشی با زنان مومنه پارسای اهل کتاب باز گذاشته تا در صورت همخوابگی اجر و مزدشان یعنی (مهر) بدهند آنهم بشرطی که زناکار نباشند و دوست و رفیقی نگیرند که باز معنی اش اینست مردان هر کاری خواستند بکنند. ماهها و سالها بسراغ همسران خود نروند. زنان عقدی و کنیزان سماق بمکنند.

اینست دادگری الله. و پروانه نمیدهد هیچ زنی در برابر همه بیدادگریهای همسرش بتواند برای برآوردن نیاز جنسی خود به آغوش مرد دیگری پناه برد و اگر در پی فشارهای روحی و روانی دست به رفع چنین نیازی زد. زناکار و گناهکار است و باید سنگسار گردد؟

سوره سی و سوم (احزاب) آیه ۶:

پیغمبر اولی و سزاوار تر به مومنان است از خود آنها و زنان پیغمبر مادران مومنین هستند...

همان سوره آیه ۳۰:

ای زنان پیغمبر از شما هر که بکار ناروایی دانسته اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر الله سهل و آسان است (۳۱) و هر که از شما مطیع فرمان الله و رسول باشد و نیکو کار شود پاداشش دو برابر عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکومهیا سازیم (۳۲) ای زنان پیغمبر شما مانند دیگر از زنان نیستید و الله ترس و پرهیز کار باشید. پس زنها نازک و نرم با مردان سخن نگوئید مبادا آنکه دلش بیمار است بطمع افتد و درست سخن گوئید (۳۳) و در خانه هایتان بنشینید و آرام گیرید و مانند دوران جاهلیت پیشین آرایش و خودآرایی نکنید و نماز بپا دارید و زکات به فقیران بدهید و از امر رسول اطاعت کنید الله چنین میخواهد رجس هر آرایش را از شما و خانواده نبوت ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزّه گرداند.

چون الله دریافته است که رسولش با بیست و چهار زن و کنیزان و غلامان بیشمار ملکی متصرفی از نه تا سی و پنجساله هرگز نمیتواند راه دادگری در همخوابگی در پیش گیرد. بجای سرزنش بر خود که چرا دست او را اینهمه باز گذاشته است. ناگزیر از تشویق و تهدید همسران رسولش بر آمده است تا مبادا بدور از چشم رسول پیر، پذیرای مردان جوان هم سن و سال خود گردند.

داستان دلدادگی محمد بر زینب زیبا تنها همسر پسر خوانده اش زید

همان سوره آیه ۳۶:

هیچ مرد و زن مومن را در کاری که الله و رسول حکم کند اراده و اختیاری نیست (که رای خلافی اظهار نماید) و هر کس نافرمانی الله و رسول کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است.

پیغمبر زینب دختر عمه اش را به زید غلام آزاد کرده ازدواج کند. زینب گفت من از اشراف قریشم غلامی را به شوهری نپذیرم این آیه نازل شد:

(۳۷) و چون تو با آنکس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تو اش نعمت آزادی (یعنی به زید حارثه به نصیحت گفتی برو زنی را که همسر تست نگهدار و از الله بترس و طلاقش مده) و آنچه در دل پنهان میداشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در دوره جاهلیت بود منسوخ کنی) الله آشکار ساخت و تو از مخالفت و سرزنش خلق ترسیدی و از الله سزاوارتر بود بترسی. پس ما هم (بدین غرض) چون زید از آن زن کام دل گرفت (و طلاقش داد او را به نکاح تو در آوردیم تا بعد از این مومنان در نکاح زنان پسر خوانده خود از آنها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نبیندارند) و فرمان الله به انجام رسید (۳۸) پیغمبر را در حکمی که الله (بر او مقرر) فرموده گناهی نیست: سنت الهی در میان آنان که در گذشتند هم اینست (که انبیا را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است) و فرمان الله حکمی نافذ و حتمی خواهد بود (۳۹) این سنت الله است در حق آنانکه تبلیغ رسالت الله بر خلق کنند و از الله میترسند و از هیچکس جز الله نمیترسند و الله برای حساب و مراقبت کار خلق به تنهایی کفایت میکند (۴۰) محمد پدر هیچیک از مردان شما (زید یا عمرو) نیست (پس زن زید زن فرزندش نبود و پس از طلاق او تواند گرفت) لیکن او رسول الله و خاتم انبیاست و الله همیشه (حکمش وفق حکمت و مصلحت است زیرا او) بر همه امور عالم آگاه است.

که بهترین و بزرگترین من به زید نعمت اسلام بخشیدم و تو اش (یعنی محمد) نعمت آزادی درست توجه کنید که الله خودش میگوید بن مایه است بر دشمنی الله با آزادی. این الله مسلمان آزادی کش که همه زن ها را بر رسول خود بخشیده است تا برچین کند و

همخواه گردد. چشم دیدن این را هم نداشت که برده بی نوایی هم یک همسر داشته باشد و این چنین محیلانه تنها زن زید پسر خوانده محمد را هم بدرون رختخواب رسولش کشتانید و خودش هم عقد بست و دست او را هم مانند انبیاء پیشین در تجاوز بر محارم باز گذاشت و گفت محمد پدر هیچیک از مردان شما نیست و میتواند به همه همسران شما تجاوز کند ولی همسران محمد مادر مومنین هستند تا کسی پس از مرگش هم نتواند با زنان زیبای او ازدواج کند؟

چنین است دادگری الله بیدادگر و دشمنی آشکار او با آزادی بویژه زنان

همان سوره آیه ۵۰:

(ای پیغمبرگرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و کنیزانی را که به غنیمت الله تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمه و دختران خالو و دختران خاله آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زنان مومنه ای که خود را بر رسول بی شرط مهر ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص تست و نه مومنان. که حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی متصرفی مومنان را (پیشتر با شرایط و عدد و حقوق آنها بر شوهر همه را) به علم خود بیان کردیم این زنان همه را که بر تو حلال کردیم (و تو را مانند مومنان امت به احکام نکاح مقید نکردیم) بدین سبب بود که بر وجود عزیز تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد و الله را بر بندگان مغفرت بسیار است.

با این دستورهایی بسیار روشن. الله مهرورزانه همه بند های ریز و درشت کارهای پایین تنه رسولش را از پیش پای او برداشته تا هر زمان به هر زنی که دل بست هماعوش گردد. آیا براستی این همان خدایی است که در اندیشه ما لانه کرده است یا حرمسرادار محمد و بنده ویژه و نگهبان کارهای پایین تنه رسول و همسران بیشمارش؟

همان سوره آیه ۵۱:

ای رسول هر یک از زنان را خواهی نویتش را موخردار و هر که را خواهی بخود بپذیر و آن را که به قهر از خود راندی اگرش به (مهر) خواندی باز بر تو باکی نیست (این آزادی و مختار مطلق بودن بر زنان) بهتر شادمانی دل و روشنی دیده آنهاست و هرگز باید محزون نباشند بلکه به آنچه ایشان را عطا کردی همه خشنود باشند. الله هر چه در دل ما مردم است آگاه است و الله بر (نیک و بد خلق) دانا و (بر عفو و انتقامشان) بردبار است.

آیا پس از خواندن این اعترافات الله جای کوچکترین دودلی در حرمسرداری او برای محمد برجای میماند و هیچ حرمسرداری بهتر از این میتواند برای اربابش خوش رقصی کند که الله برای رسولش کرده است؟ داوری با خوانندگان بویژه زنان واپس مانده سفره انداز است.

همان سوره آیه ۵۲:

ای رسول بعد از این زنان دیگر نه عقد هیچ زنی بر تو حلال است و نه مبدل کردن این زنان بدیگر زن هر چند از حسنش به الله بر هر چیز مراقب و نگهبان است. مگر کنیزی مالک شوی... شگفت آیی و بسیار در نظرت زیبا آید.

آیا با آنهمه بخشندگی الله زن دیگری باقی مانده است که رسول بر آن دسترسی نداشته باشد؟

با آزادی در همبستری بامحارم و افزودن مگر کنیزی را مالک و متصرف شوی رسول به سادگی میتواند اگر زنی در محدوده خط سرخ الله برجای مانده باشد بنام کنیز ملکی متصرفی به چنگ آورد.

همان سوره آیه ۵۳:

..... هرگاه از زنان رسول متاعی طلبید از پس پرده طلبید که حجاب برای آنکه دلهای شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و نباید هرگز رسول الله را در حیات بیازارید و نه پس از وفات هیچگاه زنانشان را به نکاح خود در آورید که این کار نزد الله گناهی بسیار بزرگ است.

دگر باره الله حرمسرادار محمد به پشتیبانی از رسولش برخاست و دستور داد که در زمان زنده بودن و پس از مرگ محمد هم با زنان و کنیزان بیشمار حرمسرایش نباید ازدواج کنند تا آنها که در زمان زنده بودن محمد از زندگی خود بهره نبرده بودند باقیمانده

چیز آگاه است. آیا زندگی خود را نیز در رنج روحی بسر برند زیرا الله حرمسرادار محمد دادگر و مهربان و از همه جا و همه میتوان بازهم دودل بود که این الله حرمسرادار ویژه محمد نیست؟

سوره التحريم، پيمان شکنی محمد در نوبت همخوابگی با حفصه دختر عمر سوگند و سوگند شکنی

(۱) ای پیغمبرگرامی برای چه آن را که الله بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام کردی تا زنان را خشنود سازی در صورتیکه الله آمرزنده و مهربان است (برهیچکس خصوص بر تو رسول گرامیش سخت نخواهد گرفت در تفسیر وارد است که روزی حفصه با اجازه رسول به خانه پدرش عمر رفت. پیغمبر با ماریه در حجره حفصه خلوت کرد. ناگه حفصه سر رسید و غوغا انگیخت که تو در نوبت من با کنیزی خلوت کردی و آبروی مرا نزد زنان بردی. حضرت برای خشنودی او فرمود من ماریه را بر خود حرام کردم ولی این سر نزد تو است باهیچکس مگوی. او بفور عایشه را هم آگه ساخت. او هم با رسول راجع به ماریه گفتگو کرد. حضرت بر عایشه نیز سوگند یاد کرد که ماریه را ترک گوید. آن دو زن شاد شدند و این آیه نازل گردید.)

(۲) الله حکم کرد بر شما که سوگندهای خود را (به کفاره) بگشایید او مولای شما بندگان و (حکمش نافذ) است و هم او بهرچیز عالم دانا و به حکمت امور خلق آگاه است (۳) وقتی پیغمبر با بعضی از زنان خود (یعنی با حفصه سخن راجع به ماریه) براز گفت و او بر آن زن الله به رسولش خبر داد (وبه اوسپرد) آن زن چون خیانت کرده و دیگری (یعنی عایشه) را بر سر پیغمبر آگه ساخت برخی را اظهار کرد برویش آورد (و برخی را از کرم پرده داری نمود و اظهار نکرد. آن زن گفت رسولا تو را که واقف ساخت) که (۴) اینک اگر هر دو زن به درگاه الله توبه رسول گفت مرا الله دانای آگاه از همه اسرار عالم خبر داد من سر تو بر کسی فاش کرده ام) کنید رواست که البته دل‌های شما (خلاف رضای پیغمبر) میل کرده است و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید باز (هرگز بر او غلبه نکنید که) الله یار و نگهبان اوست و جبریل امین و مردان صالح با ایمان بروایت عامه و خاصه فرشتگان حق یار و مددکار اویند (۵) و امید هست که اگر پیغمبر شما را طلاق داد البته زنانی بهتر از شما بجایتان با او همسر کنند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع و چه بکر و چه غیر بکر اطاعت اهل توبه و عبادت رهسپار (طریق معرفت) باشند

یا هیچ خبرچین یا دربان گوش به فرمان و یا خواجه حرمسرای پیش از این میتواند به ارباب خود یاری دهد که الله درباه محمد آ و همسران دربندش انجام داده است؟

درخور توجه زنان و ایس مانده با این خوش رقصی های الله چگونه باید باورداشت که او بنده محمد و پیشکار ویژه او نیست؟ در سفره اندازی که چشم امید به یا در میانی ابوالفضل العباس خواهرزاده شمر بسته اند تا نزد چنین الهی از آنان پشتیبانی کند. حالی که دستهایش را بریند خم بر ابرو نیاورد و با زنان رسولش چنین رفتار ددمنشانه ای دارد، چه چشم داشتی نابخردانه و سبکسرانه ای؟

و حال از همه دانشمندان و بینشمندان و سرایندگان و دستار بندگان دغلكاردینی میپرسم خواندن کدام یک از آیه های آمده در این دفتر و دیگر داستانهای پوچ تازیان که بنام کتاب آسمانی بخورد مردم ایران داده شده است میتواند آمرزنده روان مردگان باشد؟ و الله آسمانی به بیراهه ترین بیراهه ها کشانیده ۱ یا سوگند بدانها که ۱۴۰۰ سال است مردم با فرهنگ ایران را زیر نام قرآن یا کلام ست خردمندانه میباشند؟

این روش بسیار نابخردانه و ناآگاهانه منش و والایی را از زنان و مردان ایرانی ربوده و فرهنگ والایش را بنابودی کشانیده و در دام خرافات تازیان سرگردان کرده است که نه تنها چنین ننگ نامه ای را برای آمرزش روان مردگان خود میخوانند و بدان سوگند یاد میکنند که این بن مایه دشمنی با زنان را در شمار مهر آنان درمی آورند و هنگام رفتن برگشت و گذار از زیر آن میگذرند بر این باور که تندرست بازگردند.

بدتر از همه در شهر شیراز دروازه قرآن گذاشته اند تا همگان از زیر آن بگذرند و تندرست به خانه و کاشانه خود برسند که هزاران تن از زیر او گذشته در پی بر خوردهایی سخت جان خود و خانواده خویش را از دست داده اند و میدهند ولی این باور بدور از خرد را از مغز خود بیرون نمیکنند.

آیا باور بر چنین خرافاتی شرم آور و ننگ زا نیست؟ با امید بر بیداری و هشیاری و بهره گیری از خرد و بازگشت به فرهنگ والای لگدکوب شده ایرانی و راندن آگاهانه اسلام ناب محمدی با همه فرآورده هایش به خانه پدری او عربستان.

آگاهی سر آغاز آزادی است

پاینده ایران
برافراشته باد درفش کاویانی سرخ و زرد و بنفش

کیوان شید ۱۱ بهمن ماه/ ۲۷۱۱

۳۱ ژانویه ۲۰۰۴

آله دال فک

درفش کاویانی



<http://derafsh-kavivani.com/parsi/>